

غرة الالفاظ و نرمة الالحاظ

رسالہ پدسی کہن و فن ترسل

تالیف
محمد بن علی بن محمد کاتب سمرقندی

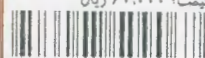
بامقدمہ و استقام
دکتر یوسف میک مالپور



مكتبة
الشيخ
أحمد
٨



غرة الإنفاظ ونزهة الإنفاظ
قيمت: ٦٠.٠٠٠ ريال



٢٨٧١ (١)-

ISBN: 978-600-7509-06-7



9 786007 509067

غرّة الألفاظ و نزّهة الألفاظ

(رساله پارسى كهن در فن ترسل)

تأليف

محمد بن على بن محمد كاتب سمرقندى

(از دانشوران سده ۵-۶ هـ.ق.)

با مقدمه و اهتمام

دکتر يوسف بيگ باباپور

انتشارات منشور سمير

با همكارى انجمن تاريخ پژوهان مراغه

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه: ظهیری سمرقندی، محمدبن علی، قرن ۶ق.
عنوان و نام پدیدآور: غرة الألفاظ و نزهة الألفاظ: (رساله پارسی کهن در فن ترسل)/تالیف
محمدبن علی بن محمد کاتب سمرقندی؛ با مقدمه و اهتمام یوسف بیگ باباپور.
مشخصات نشر: تهران: منشور سمیر: انجمن تاریخ پژوهان مراغه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۶۰ص: نمونه.

فروست: احیای میراث مخطوط: ۸.

شابک: ۷-۰۶-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: نامه نگاری فارسی - قرن ۶ ق.

شناسه افزوده: بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۵۷، گردآورنده

شناسه افزوده: انجمن تاریخ پژوهان مراغه

رده بندی کنگره: ۹۴۱۳۹۳ غ/ظ ۴۱۳۸۶ PIR

رده بندی دیویی: ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۹۸۳۳



انجمن تاریخ پژوهان مراغه



انتشارات منشور سمیر

غرة الألفاظ و نزهة الألفاظ (رساله پارسی کهن در فن ترسل)

تألیف: محمد بن علی بن محمد کاتب سمرقندی

با مقدمه و اهتمام: دکتر یوسف بیگ باباپور

از مجموعه: احیای میراث مخطوط / ۸

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ باباپور

نوبت چاپ: اول

طراح و صفحه آرا: محمدمهدی شعبانی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱۷ - ۱

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات منشور سمیر با همکاری انجمن تاریخ پژوهان مراغه

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹

شابک: ۷-۰۶-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

بسم الله

فرهنگ فرایندی به هم تنیده و صاحب نظر است که آینه‌نگی علم و هنر در جوهر آن دیده‌است
به نام کتب سلوک بدان فرهنگ را نمایان می‌آورد.

اگر در استاد تاریخ گذشته، حال، آینده، ابعاد فرهنگی خرافای شرق دیباچه‌ارورید و جنب
سند همراه با نظر و تحمل آن بدی کرد، بلا و کسرش و نیز با هر گذاری این فرهنگ وجود و ظهور
کتابی را با نام کتب علمی، فرهنگی و هنری مرافقه به ثبوت می‌رساند که در گذران و بی‌سرس
افزود پودری سکوت در کشیده است. با غایت بدین موضوع و چشم انداز، انجمن تاریخ پروران مرافقه
فراخ از هر گونه گزارش و قایل خاص با اصالت فرهنگ، علم و هنر همراه با تخصص محترم در قلاب
کار کرده‌های مختلف اقدام به ایجاد تون و منابع بستر سازی پژوهش‌های وابسته به این کتب فعالیت‌ها
اجتماعی و هنری تحت عنوان مجموعه‌ی خود نگاری کتب علمی، فرهنگی و هنری مرافقه، می‌نماید.
شایسته است مراتب احترام و امتنان خود را از نام عزیزان فعال این عرصه اظهار نموده و کمال قدردانی
را از ایشان به جای آوریم.

مدیر عامل

انجمن تاریخ پروران مرافقه

مقدمه

که در کتابخانه چستربیتی در ایرلند مجموعه‌ای کهن به شماره ۳۷۸۵ موجود است که شامل دو رساله است: *اولی رساله فی البلاغه*، از مؤلفی ناشناخته است؛ و رساله دوم آن با عنوان *غرة الألفاظ ونزهة الألفاظ*، تألیف محمدبن علی بن محمد کاتب سمرقندی، از دانشوران سده پنجم یا ششم هجری قمری است. این نسخه اول بار در فهرست آربری (۱۱/۴؛ نک: ترجمه فهرست آربری، از محمود شاکر سعید ۴۶۵/۱) معرفی شده است. خوشبختانه اخیراً نسخه عکسی آن در ایران در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۱۲۹/۴-۱۳۲) نیز معرفی شد.

این رساله مختصر و در عین حال مهم، در آداب نامه نگاری و فن ترسل است. نویسنده در مقدمه ضمن تصریح به نام خویش، بیان داشته که آن را برای

مطالعه ملک الکتاب عمر بن محمد بن ابی نصر نگاشته است. وی به احتمال زیاد همان عمر بن محمد بن علی بن ابی نصر شیرازی سرخسی شافعی (۴۴۹-۵۲۹ق) است که صاحب معجم المؤلفین (۳۱۵/۷) از او یاد کرده است. ذهبی در تاریخ الاسلام (۱۱۶/۴۶) از شخصی نام می برد که در سال ۶۲۷ق. در بغداد وفات یافته و نام وی عمر بن محمد بن عمر بن محمد بن ابی نصر است که حنفی بوده و لقب و کنیه علامه و ابو حفص داشته و اصلاً اهل فرغانه بوده، بعید نیست که از احفاد وی بوده باشد!

به هر حال مؤلف این رساله از دانشوران و کاتبان اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری است. هر چند که در فهرست کتابخانه آستان قدس (۱۱۴/۲۵) ضمن معرفی نسخه دیگری از این رساله به شماره ۲۵۵۷۲ مؤلف آن را از دانشوران سده یازدهم تخمین زده که البته نادرست است.

مؤلف در مواردی از اشعار عنصری بلخی (متوفی ۴۳۱ یا ۴۴۱)، ملک الشعرای دربار محمود غزنوی، شاهد می آورد. علاوه بر آن نسخه از لحاظ نگارش و کتابت خود گویای قدمت خویش است. سوای خط نسخ کهن مجموعه، نحوه نگارش الفاظ از آن جمله کتابت «که» به صورت کهن آن «کی»؛ «بود» به صورت «بوذ»؛ «پ» به صورت «ب» در کلماتی همچون: بیراست، بیرایه و... و نظایر آن از وجوه امتیاز آن است.

بهرتر است جهت آشنایی با شیوه نگارش رساله، مقدمه مؤلف آن را ذیلاً

بیاوریم:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ حمد و ستایش ایزد را سجل
جلاله- کی مناکب گردون را به حلیه کواکب بیاراست و سرو
قامت آدمی را در باغ وجود که مثمرتر درختی است، به دست
قدرت بپیراست و پیرایه دانش بریست و تاج عقل بر سر نهاد و
تشریف علم قلم تحضض و تنصص کرد و فرمود جل و عز: الذی
علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم.

و صلوات و تحیات کی نسیم آن بر ربی و خزای و عرادی و عفار^۱
گذشته باشد، نصیب اولیا و انبیا و اتقیا و اصفیای او باذ؛ خصوصاً
بر زبده موجودات و فهرس مخلوقات محمد عبدالله بن
عبدالمطالب صلی الله علیه و علیهم اجمعین.

چنین می گوید محمد بن علی بن محمد الکاتب السمرقندی -
احسن الله توفیقه و جعل التسدید رفیقه- کی صنعت کتابت رکنی
وثیق است از ارکان دولت و حلیه ای نفیس است بر گردن عروس
مملکت؛ چنان که شمشیر ضابط سلطنت شاهی است، قلم حافظ
مملکت و پادشاهی است؛ و به حقیقت دبیر بر مثال صاحب
جیشی است کی لشکر او از نتایج عقل و خاطر و ضمیر فکرت
است و سرمایه آن عمل زیادت از آن است کی در مجلدات جمع
توان کرد؛ چه، مرتب و پایه اول خط نیکو و ادب تمام و شناختن

^۱. اینجا خوشبویی این گیاهان و درختان مد نظر است.

لغات متفاوت و الفاظ متقارب است و بعد از آن وقوف بر هر علمی و نصیب از هر فنی؛ چه، تأثیر سخن در مدح و ذم و شکر و شکایت و ترغیب و ترهیب بیشتر از تأثیر زهر و تریاق است؛ و لقد صدق من قال:

جراحات السّنان لها إلتیام ولا یلتام ما جرح اللسان
و خواجه محمد عبده کی استاد این صنعت است، می گوید در قصیده:

به یک بَدَسْتی کلک آن کنم، کجا نکند هزار تیغ

یمانی و رمح هژده گزی

و چون اساس و قاعده این عمل در نظم سخن و ترکیب الفاظ و شناختن فنون صنعت و معانی است و از متقدمان این شغل هیچ کس جمع نکرده بود، بر خاطر بگذشت کی اگر بدین نسق جمعی باشد، پسندیده افتد. پس خوض کردم در بحر بی کرانه این علم و این گوهر شبچراغ که مونس منتهی و هادی مبتدای این باب بود، بر ساحل ظهور آوردم و در وی تعبیه کردم و آنچ دست داد و روی نمود از عرایس الفاظ و نفایس اوصاف و دستورات و نمودارات این علم از جهت مطالعت مخدوم زاده خویش، امیر اجل اکرم افضل شرف الدین جمال الاسلام و المسلمین ظهیرالملوک و السلاطین اختیارالدوله، افتخارالمله، مشیرالملک،

عمیدالممالک، ملک الکتاب عمر بن محمد بن ابی نصر سمد
 الله عمره فی دوله عالیہ الشأن سامیہ الأركان- نبشتم و پیش
 خدمت آوردم. اگرچه ذات کریم او به ذهن وقاد و عقل نقاد و
 خاطر وافی و فکرت صافی و فضل وافر مستجمع است، لکن
 باران قطره قطره در دریا اگر منفعت ندارد، نکو آید و گذر این
 مجموع الفاظ عذب و مستعملات کتب فارس آوردم و از غریب
 و وحشی احتراز نمودم.

اول بیان لغتها کی ائمه این علم کرده اند، آورده‌ام؛ باز در الفاظ
 شروع کردم، نخست دو حرفی منفصل که معنا یکی بود یا نزدیک
 به معنا چون مواعظ و نصایح، موانع و زواجر؛ باز دو حرفی متصل
 چون فضای واسع و صحرای بایع و استعمال معانی و اصطلاح
 مبانی؛ باز دو حرفی متضاد و منفصل چون قلیل و کثیر و خیر و
 شر؛ باز سه حرفی مرکب چون وسایل عالم اجسام و وسایط عالم
 ارواح و موالید عالم سفلی و نتایج اسطقسات اربعه؛ باز چهار
 حرفی و پنج حرفی چون منبع افاضت اجرام آسمان و مرجع
 افادت تأثیر اختران، ثمره شجره بستان صنع الهی و معنی خط افتر
 ملکوت پادشاهی، و جمله این الفاظ جفت جفت نگاه داشتم تا
 شره مبتدی زیادت گردد. بعد از آن نموداری چند از وصف و
 تشبیه و مدح و ذم بر طریق ایجاز وصف کردم. توقع از سجیت

کرم و لطف شیم آن است که این جمع را بعد از تأملی تمام و تفهّمی بر کمال محروم نگرداند؛ والله ولی التوفیق و التسدید أنّه الموفق و المسدد و المعین.

اکنون باز آمدم به مقصود، چون علم کتابت نزدیک است به علم شعر، دبیر را حاجت آید به دانستن چند چیز کی در کتابت استعمال کرده‌اند: اوّل معنی سجع کی از بانگ قمری گرفته‌اند و آن دو گونه است: یکی متوازی و متساوی و دوم متوازن و متقابل؛ اما متوازی کی متساوی است، چون اعمال و اشغال؛ و متوازن متقابل چون اوایل و عواقب و اواخر؛ و متشابه است چون عُقاب و عِقاب و اِعلام و أعلام کی به حرف و لفظ موافق بود و به معنی مخالف؛ مضارع است چون حنجر و خنجر و نیل و نبل به صورت یکی و اعراب متفاوت؛ و مقضب چون قلم و اقلام و کف و کفایت و کافی و کفیل؛ و بعضی این صنعت را اشتقاق اللفظ من اللفظ گویند.

دیگر دانستن مجاز و استعارت، و مجاز چیزی بذل چیزی نهادن بود به جای او و استعارت عاریت خواستن بود و این هر دو به یکدیگر نزدیک‌اند و فرق است میان ایشان. اما مجاز چنان بود کی خزینه را امّ الاموال گویند، یا زمین را امّ البشر، یا کواکب سیاره را ابوالبشر...؛ دیگر تشبیه است... دیگر ترصیع است... دیگر مراعات

النظیر است... دیگر استعمال آیات و اخبار است... و این
مجموعه را غرّة الألفاظ و نزہة الألفاظ نام نهاده شد؛ و بالله
التوفیق».

البته ناگفته نماند که چند برگ از نسخه در اواسط از لبۀ فوقانی آسیب دیده
و الفاظ اندکی از آن قابل قرائت نیست. با وجود کوشش بسیار از مؤلف آن نیز
اطلاعی به دست نیامد. در آغاز نسخه یادداشت پشت نسخه‌ای فوایدی به نقل از
رسایل اخوان الصفاء دیده می‌شود و این که نام رساله در صفحه عنوان نوشته
شده است.